

# تکبرگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارژنگ بامشاد پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۸۰ - ۶ دسامبر ۲۰۰۱ شماره ۱۳۳

## پیام هیئت اجرائی سازمان

### کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

#### به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو!

۴۸ سال پیش در چنین روزهایی، رژیم سلطنتی سرمست از پیروزی کودتای سیاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و برقراری حکومت نظامی و سرکوب آزادی خواهان، تصمیم می گیرد برای قدردانی از اربابان امپریالیست خویش و نقش کلیدی سازمان های اطلاعاتی آن ها در طراحی و موفقیت کودتا علیه دولت دکتر مصدق، از ریحارد نیکسون (معاون رئیس جمهور وقت آمریکا) پذیرائی گرمی در تهران به عمل آورد و ضمناً آخرین گزارشات مربوط به استقرار مجدد استبداد خاندان پهلوی را به وی ارایه کند. اما دانش جوان مبارز دانشگاه تهران با برپائی یک تظاهرات جسورانه در روز ۱۶ آذر، در برابر این نمایش سرسپردگی ایستادند و علیه طراحان کودتا شعار دادند. نیروهای نظامی برای ممانعت از گسترش حرکت و پیوستن مردم به دانش جوان، وارد حریم دانشگاه شدند و معترضین را به رگبار بستند. در جریان این یورش وحشیانه، سه تن از دانشجویان به نام های: قندچی، رضوی و بزرگ نیا، در راه آزادی جان باختند و ده ها تن مجروح و یا دستگیر شدند. از آن تاریخ به بعد، دانشجویان مبارز همه ساله ۱۶ آذر را به عنوان روز دانشجو گرامی می دارند و مجدداً بر آرمان دیرینه امامنکوب شده مردم کشورمان یعنی آزادی و عدالت پای می کوبند. در جریان انقلاب ۵۷، دانش جوانان در کنار زحمت کشان حاشیه تولید و کارگران، با شرکت در راه پیمائی ها و تظاهرات خیابانی و تحصن و میتینگ در دانشگاه ها، نقش برجسته ای در انقلاب ایفا نمودند. دانش جوانان در عین حال جزو نخستین افشاری بودند که به ماهیت ارتجاعی رژیم نو پای اسلامی پی بردند و دانشگاه را به سنگری جهت دفاع از دستاوردها و اهداف آزادی خواهانه و برابری طلبانه مردم و پراکندن بذر آگاهی در میان فریب خوردگان حکومت اسلامی تبدیل کردند. در هراس از همین نقش روشن گرانه بود که خمینی در اردیبهشت ۵۹ فرمان حمله به دانشگاه ها و سپس تعطیلی کامل آن ها را در سراسر کشور صادر کرد. در جریان این یورش و نیز در دوران اختناق فاشیستی پس از خرداد ۶۰، هزاران تن از دانش جوانان و استادان چپ و دگراندیش و مبارز به شکنجه گاه ها فرستاده شدند که از میان آنان حداقل چند صد نفر اعدام گردیدند. تنها پس از این سلاخی هولناک بود که رژیم با انجام اقدامات تکمیلی نظیر تصفیه هزاران استاد و دانشجو، تشدید ضوابط حاکم بر هیئت های گزینش، استقرار و تحکیم بازوهای اطلاعاتی و ایدئولوژیک خود در دانشگاه ها و ... دوباره دانشگاه ها را تحت کنترل شدید، بازگشائی کرد. بقیه در صفحه ۲

## توطئه ی سکوت مدعیان!

### حسن آبکناری

خودسانسوری آگاهانه، هم آوازی و هم دستی خود را با بقیه "برادران اسلامی" و "رهبر نظام مقدس" اعلام کرده اند. امروزه نه تنها به روشنی آشکار است که این قتل های سیاسی ناشی از اقدام "عده ای خودسر در وزارت اطلاعات" نیست و انجام آن به دستور عالی ترین مقامات حکومتی به رهبری ولی فقیه صورت گرفته است، بلکه این حقیقت هم آشکار شده است که نیروی موسوم به اصلاح طلب در درون حکومت هم با سکوت و مماشات خود آن را تأیید می کنند. زیرا این ترورها اهدافی را دنبال می کند که اهداف همه ی حکومتیان "نظام مقدس" است. و مربوط به جریان جناح سرکوب نیست. چرا که این ترورها به قصد خاموش کردن مخالفان جدی نظام صورت گرفته و می گیرد و از همین رو مدافعین رنگارنگ "نظام مقدس" از پیش برد این هدف یک رنگ و یگانه اند.

نگاهی به لیست ترورهای داخل و خارج، و حتی نحوه ی اقدام و گزینش مقتولین تروریسم دولتی بیان گر این حقیقت است که تروریسم اسلامی کورکورانه عمل نمی کند. به عکس این ترورها آگاهانه گزین شده و هدف مند صورت گرفته اند. تمام ترورهای انجام شده در داخل و خارج توسط سربازان غیبی امام زمان بدون توجه به این که مقتولین موقعیت شان در چه سطحی است، با هدف سیاسی صورت گرفته و نقشه معینی را دنبال کرده است برای حذف فیزیکی مخالفان معین سیاسی و نه هر کس و به شیوه ی هردم بیل. بقیه در صفحه ۲

## مجلس کت بسته، دولت بی اختیار

در صفحه ۲

### پیران آزاد

## افغانی ستیزی توحش

است!

در صفحه ۳

### شعله ایرانی

در آستانه سومین سالگرد قتل عام اهل اندیشه و قلم که به قتل های زنجیره ای موسوم شده است، "قتیله ها" در ایران همان طور که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خواسته بود - کاملاً پائین کشیده شده است. توطئه ی سکوت همه ی حکومتی یان به ویژه مدعیان اصلاحات درباره ی این پرونده و سرانجام آن، یک بار دیگر روشن نموده است که کل دولت مردان نظام جمهوری اسلامی ایران در کشتار و خاموش کردن صدای پیشروان جنبش اعتراضی دگراندیشان عملاً هم دست و هم آوازند. اگر سربازان غیبی امام زمان به دستور ولی فقیه مسلمین و ایادی با عمامه و بی عمامه اش، این قتل ها را سازمان داده و آن را به پیش برده اند، به دستور همین "رهبر معظم انقلاب" هم بوده است که اصلاح طلبان حکومتی از همه رنگش - به توطئه ی سکوت نشستند و از این طریق هم دستی خود را در این جنایت اعلام کرده اند. و نشان داده اند که برای آن ها "مصلح عالیله ی نظام مقدس اسلامی" مقدم است بر همه چیز از جمله حق حیات دگراندیشان! در این هم آوازی و هم دستی تنها "ریاست جمهوری" "منتخب" و "مجلس اصلاح طلب اش" لالمونی نگرفته اند، که اصلاح طلبان موسوم به "رادیکال" هم خاموشی گرفته اند! هر چند که خود گرفتار تار عنکبوت سرجنابانان این تروریسم هستند. به یک زبان و به روشنی باید گفت که اختلاف بر سر نحوه ی اداره جامعه ی اسلامی و حکومت در میان حکومت گران جفت و تاق تا آن جا جدی است که "کل نظام مقدس" در مخاطره نباشد و یا مورد "سوء استفاده دشمنان" قرار نگیرد! بیش از این حد البته که جناح و جناح بندی و یا محافظه کاری و اصلاح طلبی و سرخ و سیاه در این نظام بی رنگ می شوند!

این حقیقت در چند بزنگاه سیاسی به روشنی خود را نشان داده است. اگر فراز قابل تأکید این هم آهنگی و هم دستی، در مقابله با جنبش دانشجویی ۱۸ تیر خود را نشان داده، نقطه ی اوج آن تا این تاریخ، هم آهنگی کامل حکومتی یان است در هم آوردن سر و ته قضیه قتل های زنجیره ای و بستن پرونده آن. در این مسأله حتی رادیکال ترین و پر سروصداترین عناصر معترض در پیروان نظام هم با

## دنباله از صفحه ۱ توطئه‌ی سکوت مدعیان

گزین قربانیان در جریان قتل‌های زنجیره‌ای هم از همین قاعده سرچشمه می‌گیرد. پروانه و داریوش فروهر به این دلیل قطعه قطعه شده‌اند که در این اواخر با بی‌پروائی، از برقراری یک حکومت لائیک و نفی آشکار ولی فقیه و جدائی دین از دولت دفاع می‌کردند. فراتر از این برای پیش‌برد این سیاست و پائین آوردن حکومت ملاحا، دست به اقدامات سازمان‌گراانه و تدارک نشست‌هایی با پاره‌ای از مخالفان حکومت زده بودند.

محمد مختاری و محمدجعفر پوینده هم گزین نشده بودند تنها به صرف شاعر و نویسنده بودن‌شان. آن‌ها به خاطر جایگاه، ظرفیت و اقدامات‌شان به قتل‌گاه کشانده شده‌اند. آن دو نه تنها از افراد مؤثر نویسندگان در پاکبازی دور سوم کانون نویسندگان و تحمیل یک نهاد لائیک در "نظام مقدس اسلامی" بودند، که چپ هم بودند. آن‌هم چپی که در جستجوی به‌دست آوردن راه کارهای تازه در غلبه بر بحران

## دنباله از صفحه ۱ پیام به مناسبت ۱۶ آذر

این اقدامات سرکوب‌گراانه چند سالی موجب رکود جنبش دانش‌جوئی شد. اما با توقف جنگ ایران و عراق و تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، جنبش دانش‌جوئی مجدداً فعال شد. این مبارزات پس از انتخابات فراندوم گونه ۲۶ خرداد ۷۶ و تشدید درگیری جناح‌های حکومتی و اعتدالی جنبش آزادی‌خواهانه مردم، اوج تازه‌ای گرفت و مجدداً دانشگاه به سنگر مقدم مقاومت ضد استبدادی تبدیل شد. این تحول در تداوم منطقی خود به قیام ۶ روزه تیرماه ۷۸ منجر شد که در نوع خود در تاریخ جنبش دانش‌جوئی کشورمان بی‌سابقه بود. این قیام هرچند در نیمه راه متوقف شد، اما مبارزات دانشجویان و اقدامات سازمان‌گراانه و آگاه‌گراانه محافل و تشکل‌های مستقل دانش‌جوئی، در اشکالی متنوع تداوم یافت و داغ رخوت مجدد جنبش را بر دل "طلباان" حاکم بر ایران نهاد.

اینک که در آستانه ۱۶ آذر، روز دانشجو، قرار داریم، حدود یک و نیم میلیون دانش‌جو و کادر آموزشی دانشگاه‌ها، فرصت مجددی بدست آورده‌اند تا از طریق برپائی سمینار، سخنرانی، میتینگ و راه‌پیمائی بار دیگر در بستر اعتدالی جنبش کنونی، بر اهداف آزادی‌خواهانه، سکولاریستی و برابری طلبانه اکثریت ستم دیده و زحمت‌کش مردم، پای فشارند و کلیت ارتجاع حاکم را به مصاف طلبند.

بدون تردید، جنبش دانشجویی تنها در پیوند با جنبش طبقاتی کارگران و تپی‌دستان و نیز جنبش‌های اجتماعی زنان، جوانان، اقلیت‌های ملی و مذهبی و ... است که می‌تواند هم چون رودخانه‌ای خروشان سد جمهوری اسلامی را درهم شکند. با این امید، روز دانش‌جو را به همه دانش‌جویان ایران تبریک می‌گوییم و برای‌شان در نبرد تا به آخر برای آزادی و برابری آرزوی موفقیت می‌کنیم.

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران  
(راه کارگر)

سوسیالیسم هست. بحرانی که از شکست تجربه حکومت‌های سوسیالیستی ناشی شده است. آن‌ها برای برون‌رفت انسان معاصر از جهنم سرمایه‌داری می‌کوشیدند تلاش‌هایی را که از طریق نقد اثباتی تجربه شکست خورده در جهان می‌شود، به مشتاقان سوسیالیسم در ایران منتقل کنند. ترجمه‌های جهت‌دار و هوشیارانه و راه‌جویانه محمدجعفر پوینده، بیان‌گر آشکار این تلاش است. فراتر از این‌ها، آن‌ها با سوابق سیاسی و تشکیلاتی، نقش سازمان‌گری اصلی و رادیکال تجمع نویسندگان و قلم‌زنان دگراندیش کانون را به عهده داشتند. تلاش آن‌ها در تهیه منشور کانون در دور جدید، و تکیه بسیار قاطع‌شان بر دفاع از آزادی اندیشه و قلم و بیان بدون هیچ حصر و استثناء، آن‌هم در نظامی که هیچ اندیشه‌ای جز اندیشه‌ی خود - یا تفسیر رسمی آن - را بر نمی‌تابد، کفر محض بود و کارکردی براندازانه داشت. بر اساس این داده‌ها، جرم اصلی محمد مختاری و محمدجعفر پوینده از دید حاکمان اسلامی این بود که آن‌ها با این اندیشه‌ها و اقدامات به حلقه‌ی واسط بین جنبش روشن‌فکری و نویسندگان و هنرمندان لائیک با جنبش توده‌ای و جنبش سیاسی و عمومی تبدیل شده بودند. و رژیم آزادی‌ستیز با قتل این عزیزان کوشیده است تا این حلقات واسط را از میان بردارد.

هم این روست که پرونده این قتل‌ها و دادخواهی حول آن، با مطالبات جنبش آزادی‌خواهی و سوسیالیستی خلق‌های ایران گره خورده است. اگر این حقیقت دارد که مطالبات آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه‌ی مردم ایران با مماشات مدعیان اصلاحات تعطیل نمی‌شود و بند و بست سیاسی-اقتصادی دول غربی و توطئه‌ی سکوت آنان، ذره‌ای از پافشاری مردمان بر سر تحقق این مطالبات نمی‌کاهد، پرونده قتل‌های زنجیره‌ای هم بسته نخواهد شد؛ همان‌طور که کشتار تابستان ۶۷؛ همان‌طور سایر جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران.

لگدمال شدگان سراسر ایران، کارگران، دانش‌جویان، جوانان، زنان، روشن‌فکران دگراندیش و نویسندگان آزادی‌خواه و عدالت‌جو، این قتل‌ها را نه فراموش خواهند کرد و نه امان خواهند داد تا این پرونده‌ها بسته شود! زیرا این پرونده‌ها خود به تنهایی تجلی بی‌زاری عمومی از نظام جمهوری اسلامی است.

اما اگر در داخل ایران درینند، تداوم اعتراضات و مقابله‌های بی‌پایان مردم و مقاومت مدنی‌اشان این پرونده‌ها را باز نگه می‌دارند، در خارج از کشور، مسئولیت تبعیدیان کشاندن این پرونده‌ها به دادگاهی است که رهبران رژیم جمهوری اسلامی ایران را به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه خواهد کرد. آن روز دیر نیست.

## مجلس کت‌بسته، دولت بی‌اختیار

## پیران آزاد

مجمع تشخیص مصلحت نظام طالبانی حاکم بر ایران در مورد اختلاف بین مجلس و دولت با شورای نگهبان بر سر انتخابات میان دوره‌ای استان گلستان آن‌چنان تصمیم‌گیری کرد که دیگر چیزی از این دو قوه باقی نگذاشت.

طرح سه‌فوریتی که مجلس برای صراحت دادن به اصطلاح روال قانونی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس تهیه و تصویب کرده بود در حقیقت نوعی مقاومت در برابر اقدام جناح حاکم جهت حذف رقبا در انتخابات‌های آینده بود. مجمع تشخیص مصلحت با رد این طرح که توسط شورای نگهبان مغایر با قانون اساسی و شرع شناخته شده بود، با صریح‌ترین زبان ممکن با مجلس و دولت حرف زد. حرفی که در گوش این به اصطلاح اصلاح‌طلبان فرو نمی‌رود و آن این‌که این نوع مقاومت‌ها چیزی جز آب در هاون کوییدن نیست. آن‌ها به گمان خود می‌خواهند حاکمان اصلی را به روال قانونی متعهد کنند، غافل از آن‌که قانون جمهوری اسلامی همه راه‌ها را برای حاکمان و فقها باز گذاشته که آن‌طور که می‌خواهند عمل کنند و این اصلاح‌طلبان حکومتی هستند که خود را به "کوری و کوری" قانونی زده‌اند و نه می‌بینند و نه می‌شنوند. وقتی قانون نظارت استصوابی در تمامی مراحل انتخابات و در همه امور به شورای نگهبان حق نظارت و اعمال نظر داده، چه جای استفاده از این قانون برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق مردم می‌ماند؟ مجمع تشخیص مصلحت هم که تحت کنترل خود حاکمان است از همین قانون و سایر راه‌های به اصطلاح قانونی برای پایان دادن به قوزدن‌های نمایندگان رقیب استفاده می‌کند و به صراحت می‌گوید که مشکل اصلی خود قانون جمهوری اسلامی و خود این حکومت است و به همین دلیل راهی برای بزرگ کردن این قوانین وجود ندارد.

این واقعیت چیزی نیست که دیگر نیاز به افشاگری داشته باشد. اکثریت بزرگ مردم کشور آن را دریافته‌اند و شعارهای آن‌ها در خیابان‌ها و رأی‌های معنی‌دار آن‌ها در انتخابات به خوبی گویاست. مبارزه و اعتراض و نافرمانی بخش‌های مختلف مردم هم نشان می‌دهد که راه را از چاه می‌شناسند و به سمت صف‌آرایی اصلی و نهائی خود روانند. صف‌آرایی و آرایشی که هر کس که چشمان خود را نه‌بندد، به روشنی آن را می‌بیند. حتی چشمان نزدیک‌بین اصلاح‌طلبان حکومتی آن را دیده است وقتی محمدرضا خاتمی بعد از تصمیم مجمع تشخیص مصلحت در گفتگو با خبرنگاری دانشجویان می‌گوید: «با این تصمیم کیسه کسی در درون حکومت پر نمی‌شود ...» و یا آن‌که: «(مردم ما را متهم به سازشکاری می‌کنند و از ما هم جدا می‌شوند)»، درست دیده و شنیده است، این فقط حاکمان اصلی نیستند که از تهدیدهای توخالی آن‌ها نمی‌ترسند و کار خود را می‌کنند، مردم هم آن‌ها را رها کرده و به راه خود می‌روند. بقیه در صفحه ۳

و درد درجه دوم بودن را می‌دانند نه است! در مقابله با سیاست‌های انسان‌ستیزانه‌ی حاکم جز دست یاری دادن به آنان که هم سرنوشت ما هستند چه می‌توان کرد؟ این اتفاقی نیست که در سراسر جهان آنان که بیشترین و پی‌گیرانه‌ترین حمایت‌ها را در دفاع از پناهنده‌گان سازمان داده و می‌دهند، زن هستند! بیگانگان تاریخ!

### اتحاد چپ کارگری ایران دعوت می‌کند سینار سخن رانی و تبادل نظر

سلسله سخن رانی در باره‌ی:

گلوبالیسم، سرمایه‌داری جهانی، سرمایه‌داری در ایران و سیاست‌های اقتصادی جناح‌های حاکم  
ماهیت طبقاتی جنبش‌های اعتراضی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان؛  
جامعه، سوسیالیسم و دمکراسی؛ مسئله ملی و مبارزه برای سوسیالیسم؛ چپ و مسائل سازماندهی؛ طرح‌ها و پروژه‌ی اتحاد و ضرورت مبارزه‌ی سوسیالیستی

سخن رانان:

ایرج آدرین سردبیر نشریه‌ی بارو؛ اردشیرمهرداد سردبیر نشریه‌ی راه‌کارگر؛ تراب(ت،ث) عضو مؤسس نشریه‌ی سوسیالیسم و انقلاب؛ حسن شمس‌نماینده کومه‌له در خارج از کشور؛ یاسمین میغر عضو مرکز تحقیقات دانشگاه گلاسکو و عضو نشریه‌ی انگلیسی‌زبان کریتیک.  
روزهای شنبه و یکشنبه ۸ و ۹ دسامبر ۲۰۰۱  
شروع ساعت ۱۰ صبح، پایان ساعت ۱۸ بعدازظهر  
مکان: ساختمان اصلی دانشگاه صنعتی برلین

### فراخوان کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی-واحدآلمان

مردم آزاد!

در سال‌روز ده دسامبر، روز جهانی حقوق بشر و در زمانی که همه جا فریاد مبارزه علیه تروریسم در جهان می‌پیچد، بیاید با هم در اعتراض به تروریسم رژیم جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج از کشور گردیم!  
تروریسم رژیم جمهوری اسلامی، قتل‌های زنجیره‌ای و قتل‌عام زندانیان سیاسی را در داخل و ده‌ها ترور فعالین سیاسی را در خارج از کشور سازمان داد و جواب هر اعتراض حق طلبانه، دمکراتیک، عدالت خواهانه و دگراندیشانه را با زندان و گلوله و طناب دار پاسخ داد.  
برای آزادی بی‌قیدوشرط همه‌ی زندانیان سیاسی و برای دفاع از آزادی‌های بی‌قیدوشرط سیاسی و در اعتراض به موجودیت رژیم تروریست جمهوری اسلامی در تظاهرات هشتم دسامبر ۲۰۰۱ در شهر کلن (آلمان) شرکت کنیم!  
زمان: هشتم دسامبر ۲۰۰۱ - ساعت ۱۳  
مکان: کلن (آلمان)، جنب ایستگاه مرکزی قطار  
کمیته‌ی اتحاد عمل برای دمکراسی - واحد آلمان  
مشکل‌از: حزب دمکرات کردستان ایران؛ سازمان اتحاد فداییان خلق ایران؛ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کمک مالی رسیده آید! ۵۰۰ فرانک

ب-پاریس ۲۰۰ فرانک

## افغانی ستیزی توحش است!

### شعله ایرانی

کودکان و تعاونی‌ها می‌توانند قدم‌های پر اهمیتی باشند در راه اندازی جنبش دفاع از افغانی‌های ایران، یعنی نزدیک به سه میلیون انسانی که سال‌هاست پا به پای مردم ما کار کرده، رنج و درد را بیشتر از ما متحمل شده‌اند و باید شهروندان برابر حقوق به حساب آیند. در جامعه‌ای که فرمان‌برداری بی‌چون و چرا از فرادست‌ها نظام زندگی و شرط بقاست، دفاع از فرودست‌ترین لایه‌های اجتماع یعنی پناهنده‌گان و بیگانگان، حتی اگر هنوز ابعاد وسیع و فراگیر نیافته، خبر از بلوغ و شهامت روشن‌فکرانی می‌دهد که اگر چه خود با مشکلات بسیاری دست به گریبانند اما در دفاع از حق انسانی پناهنده‌گان پیش قدم‌اند.

سخن از هم یاری و دفاع از مردمانی است که مورد بی‌مهری و آزارهای بی‌رحمانه‌ی کسانی که به آن‌ها پناه آورده‌اند قرار گرفته‌اند. آن‌ها هم در روزگاری که بخش قابل توجهی از ایرانی‌تبارها خود، خویش و آشنایی دارند که در جستجوی زندگی بهتر و یا برای زنده ماندن تن به مهاجرت و تبعید داده‌اند و در کشور‌های دیگر آواره و از "بیگانه ستیزی" در رنج‌اند. یعنی کسانی که با استفاده از ماده‌ی یک کنوانسیون ژنو پناهنده‌ها شناخته شده‌اند و با یاری و مبارزات مردمان مترقی و حافظ حق پناهنده‌ی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی از زندگی انسانی بر خوردار شده‌اند. آیا ما که خود یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های پناهنده در جهان به شمار می‌آیم، نباید به آزار و بی‌حقی آنان که به ما پناه آورده‌اند و به حق شامل ماده‌ی یک کنوانسیون می‌شوند، پایان دهیم؟ نظام جمهوری اسلامی از سال ۱۳۷۸ با متوقف کردن صدور کارت پناهنده‌ی به افغانی‌ها رسماً مجوز آزاری را صادر و هزاران زن و مرد و کودک را از دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی محروم کرد. سیاست‌های دولت در راندن هر چه بیشتر افغانی‌های مقیم ایران به حاشیه‌ی جامعه و فرودستی کامل آنان از محرک‌های اصلی افغانی ستیزی در جامعه است. بدیهی است که دولت در این میان عامل اصلی و مسئول مستقیم افغانی ستیزی است. این نظام حاکم است که چراغ سبز را برای سر دادن شعارهای ارتجاعی علیه کارگران افغانی نشان می‌دهد و این دولت است که با تضعیف موقعیت اجتماعی افغانی‌ها آن‌ها را هر چه بیشتر به مثابه یک گروه اجتماعی صدمه‌پذیر می‌کند. اما نقش و مسئولیت ما شهروندان، هر چند خود نیز محروم از بسیاری حقوق شهروندی، در این میان چیست؟ هم صدایی با نظامی سرکوب‌گر و یا در بهترین حالت سکوت در مقابل این توحش؟ پاسخ زنان که خود از بی‌حقوق‌ترین‌های این جامعه هستند

در تاریخ بیست و سه سال اخیر، زنان یک بار دیگری نشان دادند که در دفاع از آزادی پیش قدم هستند. در ماه‌های اخیر زنان روشن‌فکر قدم‌های مهم و جان‌داری در دفاع از بی‌دفاع‌ترین ساکنان کشورمان برداشته‌اند. در جامعه‌ای که "دگرآزاری" ابزار و روش حکومت و یکی از اشکال رایج بروز "از خود بیگانگی" استبداد زده‌گان و محرومان است، دفاع از آنان که بیگانه می‌خوانیمشان، هر چند ضروری و وظیفه‌ای انسانی اما قهرمانی است در خور ارج گذاری. بیگانه ستیزی و تبعیض قومی، نژادی و یا دینی نیز هم چون تبعیض جنسی ریشه‌های کهن و عمیقی در تاریخ بشریت دارند. فمینیست‌ها به درستی معتقدند که با این تبعیض‌ها که هم آبخور و هم تجلی نظام مبتنی بر سلسله مراتب و باز تولیدگر جاهلیت و توحش است که تمدن و مدنیت را تهی و شکننده می‌کند، باید هم‌سان و هم‌زمان مبارزه کرد. از این‌ها گذشته، مگر میتوان انسان زن بود و درد زن افغان در را دید و ساکت ماند؟ زانی که اکنون در ایران به دفاع از حق انسانی زنان و کودکان افغانی بر خواسته‌اند از این گسسته‌اند. برگزاری سینار و هم‌یاری به زنان افغانی برای راه اندازی مدارس

### دنباله از صفحه ۲ مجلس کت‌بسته دولت بی‌اختیار

تصمیم مجمع شورای مصلحت از زاویه و نگاه دیگری هم قابل تأمل است و پیامی و سخنی به همان صراحت دارد. این مجمع بر این اساس تشکیل شد که وقتی مشکلی و اختلافی بین دو ارگان شورای نگهبان و مجلس در باره به اصطلاح "قوانین" پیش می‌آید، با در نظر گرفتن "مصلحت نظام" داوری کند حتی به قیمت چشم‌پوشی از قوانین. چون بنا به اعتقاد قدرت‌مندان از جمله خمینی که مؤسس این مجمع تشخیص مصلحت بود، هیچ چیز بالاتر از مصلحت نظام و قدرت نیست و قانون در خدمت نظام و قدرت است. اما چنین داوری معمولاً زمانی معنی دارد که دو طرف دعوا هم وزن باشند و توازن قدرت به نحوی باشد که به داوری نیاز باشد و به آن معنی دهد. کارنامه مجمع تشخیص مصلحت در به اصطلاح داوری بین مجلس ششم و شورای نگهبان نشان می‌دهد نه تنها در مورد مسائل مهم، بلکه حتی در مورد موضوع‌هایی مانند بودجه سالیانه دولت که اصلاح و تصویب آن از حقوق مسلم مجلس است، جانب شورای نگهبان را گرفته و جایی برای مجلس باقی نگذاشته و به عبارت دیگر مجمع گفته و می‌گوید که "صلاح مملکت خویش خسروان دانند" و وقتی حکومت و کل مملکت در تیول آخوندهای قدرت‌مند حاکم است نیازی به حرف و حدیث نمایندگان مجلس نیست. خود قدرت، مصلحت خویش را می‌داند.

حاکمان مستبد چنین می‌پندارند و چنین هم عمل می‌کنند اما واقعیت زندگی می‌گوید که آن‌ها که با مردم نیستند و بدتر از آن در مقابل مردمند، به معنی واقعی کور و کر هستند و بر پندارهای خود عمل می‌کنند، پندارهایی سست و بی‌بنیاد که به آسانی فرو می‌ریزد. دیر نیست که حاکمان ایران هم این فروریختن را تجربه کنند.

## ضرورت اتحاد کارگران موقت و غیرموقت

### یوسف آبخون

شرایط کنونی است. مثلاً کارگران اخراج شده شرکت فرش و پتوی تبریز در نامه اخیر خود به دفتر رئیس جمهوری و وزیر کار و امور اجتماعی نوشته اند: «به رغم این همه تمکین ( یعنی تمکین در برابر تمام سختی‌ها) باز کارفرمای شرکت به سختی ما کارگران قناعت نکرده و با یک حساب ساده و سر انگشتی، درصدد اخراج و آوارگی کارگران و جای‌گزینی کارگران قراردادی کرده و در این راه از تمام امکانات مالی و اعمال فشارهای مختلف از جمله مداخله دادن ارگان‌های غیر مسئول نظیر نیروهای انتظامی، فرمان‌داری و حتی محافل متنفذ استفاده کرده است»

این کارگران در پایان نامه خود خواستار رسیدگی به مشکلات خود از طریق مسولین ذی ربط و وزیر کار و امور اجتماعی برای باز گرداندن وضع عادی تولید و اشتغال در کارخانه و به کارگیری همه نیروهای با تجربه در پست‌های خود شدند. و یا کارگران شرکت «کیسه» گیلان شکایت کرده‌اند که مدیریت کارخانه در ۲۸ شهریورماه جاری ۸۰ تن از کارگران با سابقه ۸ تا ۱۰ سال را اخراج و به جای آن‌ها ۱۲۰ کارگر قراردادی استخدام کرده است و گفته‌اند که شکایت آن‌ها تاکنون به جایی نرسیده است.

استفاده از کارگران موقت و قراردادی به جای کارگران با سابقه در حال حاضر یکی از تاکتیک‌های سرمایه‌داران و مدیران برای اولاً - استفاده از کار ارزان و ثانیاً - برای ایجاد تفرقه در میان کارگران است. زمینه چنین تاکتیک‌هایی با تصویب قوانینی نظیر قراردادهای کارموقت و قانون به اصطلاح بازسازی و نوسازی صنایع نساجی فراهم شده است.

گرچه در شرایط بحران و ورشکستگی کنونی اقتصاد و رکود کامل تولید و با وجود تعطیلی پی در پی کارخانه‌های بزرگ و خطر اخراج‌های دسته جمعی، که تقریباً هر روز اخبار آن را می‌شنویم، جایی برای امنیت شغلی کارگران دائمی و تفاوت آن‌ها با کارگران قراردادی و یا موقت باقی نمانده، ولی این به معنی نزدیک‌تر شدن و تقویت اتحاد کارگران نیست بلکه می‌تواند اثراتی منفی بر اتحاد کارگران بگذارد.

در واقع نگران‌کننده‌ترین مسئله در شرایط بحران حاد و بی‌کاری گسترده این است که هر کارگری و یا گروه‌های مختلف کارگری برای رهایی از خطر بیکاری و گرسنگی و تأمین زندگی خود در برابر کارگر دیگر و یا گروه‌های کارگری دیگر قرار بگیرد. یعنی شرایطی که کارگران در آن برای تأمین نان خود به جان هم می‌افتند و سرمایه‌داران در آن هم به اتحاد کارگران ضربه می‌زنند و هم نیروی کار هر چه ارزان‌تری به دست می‌آورند.

یکی از این نمونه‌ها، همان‌طور که در اخبار می‌شنویم، فرارگرفتن کارگران دائمی و با سابقه در برابر کارگران موقت و به اصطلاح قراردادی در

معلوم است که شکایت کارگران نه تنها در این کارخانه بلکه در کل کارخانه‌ها و در شرایطی که سران رژیم اسلامی هر روزه لایحه و قوانینی را درست در همین راستا در دولت و مجلس خود به تصویب می‌رسانند، به جایی نخواهد رسید. در واقع آن‌چه اکنون روی می‌دهد نتیجه قوانینی است که در گذشته‌ای نه چندان دور به نام قراردادهای کار موقت و یا به اصطلاح بازسازی و نوسازی صنایع نساجی از تصویب مجلس گذشته است. قوانینی که حالا به سرمایه‌داران و مدیران امکان می‌دهد تا با تکیه بر آن‌ها، کارگران با سابقه و باتجربه را اخراج کرده و به جای آن کارگران موقت و یا قراردادی و یا ارزان‌تر و با موقعیت لرزان‌تری را به کار بگیرند. کارگرانی که به دلیل موقت و قراردادی بودن از کم‌ترین حقوقی برخوردار نیستند و هیچ قانونی و حتی قانون کار اسلامی نیز از آن‌ها حمایت نمی‌کند.

معلوم است که رئیس جمهوری و یا وزاری کاری که به ابتکار آن‌ها همین لایحه و قوانین در دولت و مجلس به تصویب می‌رسد، هیچ‌گاه به داد کارگران با سابقه برای بازگشت به سر کار و یا پست‌های سابق خود نخواهند رسید. و معلوم است که کارگران با سابقه بدون مقابله با قوانینی که به وجود کارگران موقت و قراردادی رسمیت داده، قادر به دفاع از حقوق خود نخواهند شد. راه مبارزه کارگران با تاکتیک سرمایه‌داران و مدیران در استفاده از کارگران قراردادی به جای کارگران با تجربه، اتحاد و هم‌بستگی آن‌ها برای حقوق و منافع مشترک طبقاتی و مبارزه با قوانین ضد کارگری است و نه رویارویی آن‌ها.

### سخنرانی و نمایش فیلم به مناسبت روز جهانی حقوق بشر در ونکوور (کانادا)

ده دسامبر روز جهانی حقوق است. متجاوز از نیم قرن پیش، اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل تحت فشار جنبش‌های مدنی و آزادیخواهانه، منشور بین‌المللی حقوق بشر را به تصویب رساندند. با این همه هنوز حقوق ابتدایی انسان در بسیاری از کشورهای جهان نقض می‌شود. در سالگرد این رویداد خجسته، انجمن ما مراسمی را برگزار میکند که در آن تعدادی از صاحب‌نظران و فعالین اجتماعی سخنرانی خواهند کرد. این مراسم شامل برنامه‌های زیر می‌باشد:

- ۱ - نمایش فیلم کوتاهی از زندگی اسفبار پناهجویان ایرانی در ترکیه
  - ۲ - طنز و شعرخوانی توسط **مجید میرزایی** (عضو کانون نویسندگان ایران در تبعید)
  - ۳ - سخنرانی **صفا ساعد** (از فعالین مستقل چپ)
  - ۴ - سخنرانی **فهیمة صادقی** (از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - هبستگی)
  - ۵ - سخنرانی **آرش کمانگر** (ژورنالیست و از فعالین اتحاد چپ کارگری ایران)
  - ۶ - پرسش و پاسخ، نقد و بحث آزاد
- زمان: شنبه ۸ دسامبر ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر  
مکان: ونکوور شمالی - شماره ۶۰۰ خیابان کوئینز غربی - دلبروک سنتر  
ورودی ۲ دلار      تلفن اطلاعات ۶۸۸۹۰۱۹ (۶۰۴)
- انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - بریتیش کلمبیا (کانادا)**

### سیامک پورزند، روزنامه نگار آزاده، بی‌قید و شرط باید آزاد شود

سیامک پورزند روزنامه نگار قدیمی، از شنبه شب ناپدید شده است. وی که همسر مهر انگیز کار و مدیر مجموعه فرهنگی هنری تهران است، و بدلیل فراهم کردن تسهیلات برای نویسندگان، هنرمندان و فعالین مدافع حقوق زنان در ارایه آثار و نظراتشان مورد انتقاد روزنامه‌های وابسته به جناح راست و از جمله روزنامه کیهان قرار داشت، دو هفته قبل از ناپدید شدن در باره تحت تعقیب و مراقبت بودن خود با دوستان و اعضای خانواده اش صحبت کرده بود.

سازمان عفو بین‌الملل نیز با انتشار بیانیه‌ای در لندن از ناپدید شدن این روزنامه نگار قدیمی و متعهد، ابراز نگرانی کرد و و از مقامات قضائی و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی خواست که در صورت دستگیری وی این خبر را رسماً اعلام کنند.

اقدام راهزنان تازه مقامات قضائی جمهوری اسلامی آتهم سه سال پس از طرح پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، بار دیگر نشان میدهد که اگر جنبش آزادی خواهانه مردم بر پیگیری این پرونده با فشاری نکند و مبارزه برای آزادی دگراندیشان و کلیه زندانیان سیاسی را در مرکز مطالبات سیاسی و آزادیخواهانه خود قرار ندهد، حاکمان جمهوری اسلامی بار دیگر برای پس گرفتن دستاوردهای تاکنونی مردم دست به تعرض خواهند زد.

ما ضمن محکوم کردن این اقدام راهزنان حکومت اسلامی علیه یک روزنامه نگار با سابقه و آزاد اندیش، از تمام آزادیخواهان ایران در داخل و خارج کشور دعوت میکنیم که مبارزه برای آزادی سیامک پورزند و کلیه زندانیان سیاسی را از هر طریق ممکن تشدید کنند.

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۸ آذر ۱۳۸۰